

**سجاد پور** – قاضی ویژه قتل عمد مشهد از بررسی های دقیق قضایی درباره علت انفجار دیگ بخار در کارخانه در حال احداث حلوا شکری در مشهد خبر داد و گفت :شدت انفجار به حدی بود که اجساد کارگران متلاشی شده است. قاضی دکتر صادق صفری شب گذشته و دقایقی بعد از وقوع انفجار در یکی از سوله های بزرگ کارخانه در حال ساخت تولید حلوا شکری به خراسان گفت: این حادثه هولناک در شهر ک صنعتی جاده کلات مشهد در حالی رخ داد که یک پیمانکار به همراه ۳ کارگری که از تهران به مشهد آمده، مشغول نصب و راه اندازی دیگ بخار بودند که به علت ناعلمومی دیگ مذکور منفرج شده

است.قاضی ویژه قتل عمد مشهد که بلافاصله پس از گزارش این حادثه تاسف بار در محل وقوع انفجار حضور یافته بود، عمدی بودن حادثه انفجار را رد کرد و افزود: قرار بود این کارخانه



محل وقوع حادثه

تولیدی با حضور مقامات کشوری در هفته آینده افتتاح شود که این حادثه رخ داد. بازپرس شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد تاکید کرد: در این حادثه ۴ کشته و یک نفر

### قاضی ویژه قتل عمد مشهد خبر داد

## ۴ کشته در انفجار مهیب دیگ بخار کارخانه حلوا شکری



قاضی دکتر صفری در حال تحقیق درباره انفجار مهیب

در این باره بازداشت شده اندیاخیر؟تصریح کرد: مدیر داخلی این کارخانه در بازداشت به سر می برد اما بررسی های تکمیلی هنوز ادامه دارد. وی یابیان این که تحقیقات فردا(امروز)نیز ادامه می یابد، خاطر نشان کرد باتوجه به گستردگی و انفجار مهیب باید بررسی های تخصصی صورت گیرد و فعلا مراحل مقدماتی این تحقیقات به اتمام رسیده است. قاضی ویژه قتل عمد مشهد همچنین از تخریب خودروهای گران قیمت در این حادثه تاسف بار خبر داد و گفت: شدت این انفجار به حدی بود که سوله به طور کامل تخریب شده و خسارت های مالی زیادی به بار آمده است که باید بررسی های دقیق تری انجام شود.

### با اعترافات عاملان جنایت در جلسه بازپرسی فاش شد

# ابعاد جدید از پرونده «جسد شعله‌ور»

قاضی «محمود عارفی راد» در خیابان ارشاد، بررسی های تخصصی قضایی در این باره آغاز شد. تحقیقات میدانی حکایت از آن داشت که زن میان سال در مکان دیگری به قتل رسیده و سپس عامل یا عاملان جنایت، جسد او را به محل کشف انتقال داده و به آتش کشیده اند. با توجه به اهمیت موضوع و با دستور قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، تصویری از پیکر سوخته مقتول در صفحه حوادث روز نامه خراسان درج شد و بررسی های ویژه کار آگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی برای شناسایی هویت مقتول ادامه یافت. چند روز بعد یکی از اهالی بخنودر با مشاهده تصویر مقتول در روز نامه خراسان با پلیس آگاهی تماس گرفت و هویت او را فاش کرد. این گونه بود که تحقیقات وارد مرحله جدیدی شد و کار آگاهان پلیس آگاهی باردزنی های اطلاعاتی، محل سکونت «مهین» معروف به سیمین (مقتول)، را پیدا کردند اما بررسی ها نشان داد که او دوشب قبل از کشف جسد، در منزل خواهرش واقع در خیابان آیت... عبادی مهمان بوده است. با این سرخ های مهم، بلافاصله عملیات کار آگاهان با دستورات محرمانه مقام قضایی با ورود به منزل مسکونی میزبان (خواهر مقتول) ادامه یافت. با پیدا شدن بقایای پارچه ها و نوار چسب هایی که

دور سر مقتول پیچیده شده بود، مشخص شد که جنایت در همین منزل رخ داده است بنابر این خواهر کوچک تر مقتول که «معصومه» نام دارد، توسط کار آگاهان بازداشت و به پلیس آگاهی منتقل

داشت به طوری که حتی مخارج تحصیل دخترم در دانشگاه را نیز او پرداخت می کرد ولی خواهرم همه پول هایش را بی خودی خرج می کرد. او به تازگی با جوانی آشنا شده و به عقد موقت او درآمده بود به همین دلیل پول زیادی برای آن جوان خرج می کرد. من هم از این موضوع به شدت ناراحت بودم! افکار شیطانی را هایم نمی کرد، با خود می می گفتم چرا به همان اندازه ای که خواهرم برای آن جوان غریبه هزینه می کند به من پول نمی دهد! به این دلیل وقتی به خانه من آمدم، او را نصیحت کردم که به من پول بیشتری بدهد! ولی او سکوت می کرد. دیگر تحمل را از دست دادم و او را در خواب خفه کر دم. سپس دست و پاهایش را با چسب نواری پهن بستم ولی نمی توانستم جسدش را



متهمان پرونده جسد شعله‌ور

بیرون بیرم. بعد از این ماجرا با مادر و برادر متاسم گرفتم که در نزدیکی منزل من سکونت دارند! به آن ها گفتم خواهرم ارا کشته ام و اگر برای انتقال جسد به من کمک نکنند، پیکر او را قطعه قطعه می کنم و در زباله دان می اندازم! دقایقی بعد برادر کوچکم و مادر ۸۰ ساله ام از راه رسیدند و جسد را با یک پر اید تا کاسی اینترنتی به خیابان ارشاد بردیم. آن جامن ظرف ۴ لیتری بنزین را روی پیکر خواهرم ریختم و کنار فضای سبز به آتش کشیدم اما چند روز بعد هم دستگیر شدم و... بنابر گزارش خراسان، در پی اعترافات این زن ۴۵ ساله، بی رنگ کار آگاهان با دستور قاضی «عارفی راد» وارد عمل شدند و برادر و مادر متهم به قتل را نیز دستگیر کردند. هنوز بررسی های تخصصی در این باره ادامه داشت که روز گذشته «معصومه» (متهم به قتل) ابعاد جدیدی از این جنایت را فاش کرد. او که در جلسه بازپرسی مقابل قاضی ویژه قتل عمد قرار گرفته بود به یک دسیسه شیطانی را من به همراه برادر دم «علی» با یکدیگر طراحی کردیم چرا که می خواستیم ملک و املاک او را بالا بکشیم. او یک واحد آپارتمان در گلپهار داشت و صاحب زمین هم بود و ما قصد داشتیم

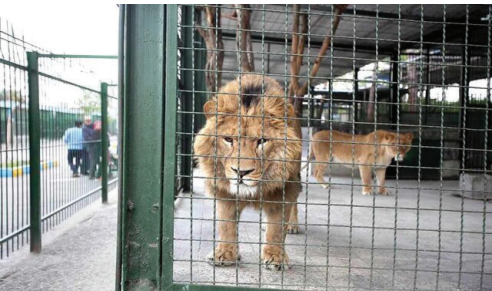


متهمان هنگام اعترافات جدید در حضور قاضی عارفی راد

اموال او را به دست آوریم تا برای دیگران هزینه نکند. گزارش اختصاصی خراسان از جلسه بازپرسی همچنین حاکی است «علی» (متهم دیگر پرونده) نیز با شنیدن اعترافات خواهرش دیگر چاره ای جز بیان حقیقت نداشت به همین دلیل وقتی مقابل قاضی «عارفی راد» ایستاد صراحتا به نقش خود در این جنایت وحشتناک اقرار کرد و گفت: نقشه قتل را با خواهرم طراحی کردیم و با دسیسه مهمانی، او را به منزل خواهرم کشانیدیم. من هم آن شب تعدادی قرص خواب آور از یکی از دوستانم تهیه کردم و آن ها را به خواهرم دادم تا در نوشیدنی خواهر بزرگ ترم بریزد که به راحتی بتواند از او مدرک بگیرد تا ما او را به بالا بکشیم ولی در شب جنایت من در خانه خودمان و نزد مادرم بودم که «معصومه» تماس گرفت و از مرگ «سیمین» خبر داد. مادرم نیز از ترس بامن آمد ولی هیچ کاری انجام نداد و تنها در انتقال جسد به خیابان ارشاد کمک کرد. بنابر گزارش خراسان، این در حالی است که «معصومه» (متهم اصلی پرونده) که به خفه کردن خواهرش با فرو بردن کلاه کشی در دهانش اقرار دارد، مدعی شد: دست و پا های خواهرم را مر دیگری با نوار چسب بست که در آن شب در خانه ما حضور داشت! به همین دلیل تحقیقات درباره پرونده «جسد شعله ور» همچنان با دستورات قضایی توسط کار آگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی ادامه دارد.

## جزئیات سرقت گاوصندوق از منزل فرهاد مجیدی

سرقت مقدار قابل توجهی ارز «در هم» از داخل گاوصندوق کردند. در همین خصوص معاونت اجتماعی فرماندهی کل نیروی انتظامی تهران اعلام کرد: «از منزل فرهاد مجیدی سرمربی تیم استقلال تهران شنبه شب گذشته سرقت شده است. همچنین از منزل وی مقادیری و چه نقد به سرقت رفته است و پرونده مراحل قانونی خود را طی می کند.» چندی قبل ماجرای سرقت گردن بند علی دایی نیز سر و صدای زیادی به راه انداخت که خیلی سریع سارقان آن توسط پلیس پیدا شدند.



باغ وحش، وارد محوطه شده بودند. با تلاش های انجام شده، خوشبختانه دو شیر نر و ماده به قفس برگردانده شدند و اکنون امنیت کامل در محیط پارک وحش برقرار است. علت دقیق حمله شیرها به نگهبان باغ وحش هنوز مشخص نیست ولی به محض وصول خبرهای تکمیلی، گزارش دقیق ماجرا، به اطلاع عموم مردم رسانده می شود.

### دستگیری عامل ناامنی شرق کرمان

**توکلی/** متهم تحت تعقیب به جرم ایجاد ناامنی، در عملیات پلیس امنیت عمومی نرماشیر به دام افتاد. جانشین فرمانده انتظامی نرماشیر در این باره گفت: نیروهای پلیس امنیت عمومی نرماشیر درباره یکی از عاملان ناامنی که به مدت پنج ماه در استان سیستان و بلوچستان تحت تعقیب بود و اقدامات مجرمانه ای را در حوزه این شهرستان شرقی کرمان انجام می داد به اطلاعات موثقی دست یافتند. سرگرد علی آبادی افزود: ماموران از حضور این شرور در یکی از نقاط شهرستان باخبر شدند و به محل منظر عزیمت کردند. این متهم در مواجهه با پلیس با استفاده از یک خودرو به سمت شهرستان ریگان گریخت که ماموران در یک عملیات ضربتی با شلیک چند گلوله، خودرو را متوقف و این متهم را دستگیر کردند. وی با اشاره به کشف یک قبضه کلت کمربری از این متهم تصریح کرد: این عامل ناامنی که سوابقی همچون آدم ربایی، حمل مواد مخدر، تیراندازی، حمل و استفاده از سلاح و ایجاد ناامنی های متعدد را در پرونده خود دارد، در تحویل مرجع قضایی شد.



**ایسنا/** صیدی سرپرست مرکز فوریت های پزشکی ساوه گفت: خروج درزین از ریل در راه آهن این شهرستان حادثه آفرید و شش مصدوم به جا گذاشت.

#### در امتداد تاریکی

### از شوهرم خلافکار تر شدم!

روزی به دلیل اعتیاد همسرم قصد داشتم از او طلاق بگیرم اما کار به جایی رسید که خودم در اعتیاد از او پیشی گرفتم به طوری که مواد غذایی خانه ام را پنهانی می فروختم و... به گزارش خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۲۲ ساله ای است که هنگام سرگردانی در خیابان های مشهد مورد ظن نیروهای گشت پلیس قرار گرفته بود. این زن جوان که مدعی بود در ساعت ۳ بامداد و برآی تهیه مواد مخدر از خانه مادرش خارج شده است، درباره سرگذشت تلخ خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری امام رضا(ع) مشهد گفت: پنج سال بیشتر نداشتیم که پدرم را از دست دادم و در کنار مادرم بزرگ شدم. آن روزها مادر می برای او شوهر میزد مگي به سختی تلاش می کرد اما مادرم در تنگنای مالی قرار داشت چرا که در آمدش از کارگری در منازل مردم کفاف هزینه های زندگی و اجاره خانه را نمی داد از سوی دیگر من هم که از مهر و عاطفه پدری بهره ای نبرده بودم مدام به فکر فرار از خانه بودم. احساس می کردم در بیرون از این خانه غم هایم را فراموش می کنم و به سعادت و خوشبختی می رسم. به همین دلیل مادرم همواره نگران من بود و نمی دانست چگونه این افکار را از ذهن من دور کند. در این شرایط و در حالی که ۱۳ سال بیشتر نداشتم با پسر همسایه ارتباط برقرار کردم. با آن که «جاوید» پسر سه بره ای نبود و اهالی محل از رفتارهای او دل خوشی نداشتند اما من تصمیم به ازدواج با او گرفتم و با وجود مخالفت های شدید مادرم پای سفره عقد نشستم. جاوید که ۱۰ سال از من بزرگ تر بود با خلا فکاران زیادی رابطه داشت به همین دلیل فقط یک ماه بعد از ازدواج متوجه اعتیاد او به مواد مخدر شدم. وقتی موضوع را برای مادرم بازگو کردم خیره به چشمانم نگریست و گفت: «این اشی است که خودت بختی ای!»، وقتی گفتم می خواهم طلاق بگیرم گفت: «آبرو بریزی نکن با لباس سفید رفته ای، با کفن هم از خانه اش خارج می شوی!»، زمانی که فهمیدم باید با این شرایط بسازم دیگر مخالفتی با رفتارهای نامتعارف همسرم نداشت. صاحب دو فرزند نشده بودم و آرم آرام برای تسکین در دهایم مواد مخدر مصرف می کردم. طولی نکشید که من هم به یک معتاد حرفه ای تبدیل شدم اما همسرم هزینه های مصرف مواد مخدر را نمی پرداخت به همین دلیل به صورت پنهانی طلاهایم را می فروختم تا مواد مخدر تهیه کنم. در همین روزها بود که با پیشنهاد یکی از دوستانم که مواد مخدر با شنیه اشتنا بدم اما نمی دانستم مواد مخدر صنعتی روزگار ام سیاه می کند، فکر می کردم برای هر بار مصرف پول کمتری می پردازم ولی در مدت کوتاهی مواد مخدر صنعتی زندگی ام را در گرو ن کرد به گونه ای که مجبور بودم برای تهیه شنیه مواد غذایی خانه ام بفروشم. وقتی جاوید متوجه اعتیاد به شنیه شد مدتی به من فرصت داد تا اعتیادم را ترک کنم اما من توان این کار را نداشتم و نمی توانستم خماری را تحمل کنم بنابر این به مصرف مواد ادامه دادم تا جایی که دیگر مسئولیت های مادرانه ام را از یاد بردم و خانواده ام را به فراموشی سپردم. در این شرایط جاوید هم خیلی راحت مرا طلاق داد و از زندگی اش بیرون انداخت. به ناچار زنم دمارم بازگشتم اما او هم چشم دیدن مر نداشت چرا که به وضعیت استبار و آشفته ای رسیده بودم. حال و حوصله نصیحت های او را نداشتم و مدام با هم در گیر بودیم تا این که امروز صبح وقتی برای تهیه مواد مخدر از خانه خارج شدم و در خیابان هاسرگردان بودم ماموران گشت کلانتری به من مشکوک شدند و... گزارش خراسان حاکی است به دستور سرهنگ شریفی (رئیس کلانتری امام رضا(ع)) تلاش های مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی برای نجات این زن جوان از گرداب مواد افیونی آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس شبگیری خراسان رضوی کوتاه از حوادث

**\*ایران/** ابعاد زلهر دیروز آیین تشییع و خاک سپاری در ایده بر گزار شد که در آن افرادی اقدام به تیراندازی هوایی کردند که در این میان چهار نفر مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و مجروح شدند.

**\*ایران/** گوردزی فرمانده مرزبانی از متلاشی شدن دو باند قاچاق سلاح توسط مرزبانان در مرزهای

شهرستان ثلاث باباجانی خبر داد و گفت: در این عملیات، سه قاچاقچی دستگیر و ۷۶ کلت جنگی همراه ۱۵۲ خشاب و ۲۵۰ فشنگ کشف شد.

**\*پلیس/** اسر دار صالحی فرمانده انتظامی خوزستان با اشاره به برخورد قاطعانه با زمین خواران گفت: زمین خوار خوزستانی که ۳۲۰ هزار متر مربع اراضی دولتی به ارزش ۹۶ میلیارد ریال را به طور غیرمجاز تصرف کرده بود، دستگیر شد.

**توکلی/** سرهنگ حسن پور رئیس پلیس آگاهی کرمان گفت: ۴۴ سارق سیم، کابل و تجهیزات برق رسانی در کرمان به چنگ پلیس افتادند و در بازجویی های ماموران به ۱۳۷ فقره سرقت سیم و کابل و تجهیزات برق رسانی اعتراف کردند.

**\*ایسنا/** بر اثر وژ گونی یک دستگاه ون به داخل گودالی در یکی از بزرگراه های مکزیک، ۱۳ تن کشته و ۱۰ دیگر مجروح شدند.

**\*کرمانی/** سرهنگ پور ایمانی فرمانده انتظامی کرمان از دستگیری دو سارق و کشف ۵۳ فقره سرقت مغاز و همچنین اموال سرقتی خبر داد.